

سایه‌بان

دوستی و روابط شخصی

حسن عبدالوهابی

۱. به واسطه تبسم و حمایت از علائق دیگران، می‌تواند در نظر آن‌ها خوشایند جلوه کرد.
۲. افراد وجیه از لحاظ برقراری ارتباط اجتماعی بسیار ماهرند.
۳. افراد وجیه غالباً گرایش‌هایی عالی را نسبت به جهان اطرافشان نشان می‌دهند، که برای دیگران خوشایند است.

۴. ستایش و تمجید دیگران، در برقراری ارتباط اجتماعی و دوست‌یابی بسیار تأثیرگذار است، اما باید بدانیم که تمجید و ستایش ناپستی منسوب به چیزهایی باشد که فرد می‌داند که دارد؛ بلکه بایستی برای حداقل تأثیرگذاری، چیزهایی را در برگردد که افراد آرزو دارند آن‌ها را داشته باشند.

۵. قربت با دوستی رابطه دارد؛ زیرا قربت، فراوانی تعاملات را وسعت می‌بخشد.

۶. افرادی به دوستی با یکدیگر جلب می‌شوند، که دارای خصائص اجتماعی مشابهی هستند، زیرا آن‌ها فرض می‌کنند که چنین اشخاصی از گرایش‌ها، ارزش‌ها و منافع ایشان حمایت کرده و بنابراین در جهت این حمایت به توسعه رابطه متقابل می‌پردازند.

۷. نتایج تحقیقات در خصوص دوستی، نشانگر این موضوع است که برخورد افراد اگر در زمینه‌ای توأم با تشویق و احساس لذت و خوشایندی استوار باشد، موجب دوستی می‌گردد و اگر این امر تحت شرایط ناخوشایند رخ دهد، موجب عداوت می‌گردد.

۸. آراستگی ظاهری نقش مهمی در دوست‌یابی دارد.

۹. مردان، دوستان خود را بر حسب صفاتی نظیر قاطعیت در عملکرد برمی‌گزینند، در حالی که زنان، به الزامات عاطفی و حمایتی تکیه می‌کنند.

۱۰. هم‌بستگی، نقش مهمی در روابط صمیمی بازی می‌کند. افراد تنها، فاقد روابط صمیمی و نزدیک با دیگران هستند، زیرا نمی‌توانند خودشان را با شرایط دوستی وفق دهند.

۱۱. افرادی که با یک پیگانه ارتباط دارند، غالباً بر حسب محاسبه میزان مزایا و پرداختی‌ها رفتار می‌کنند، اما در رابطه دوستانه، هریک از طرفین سعی می‌کند جهت ایجاد ارضاء بیش‌تر، نفع بزرگ‌تری به دیگری برساند.

۱۲. مطالعات نشان می‌دهد که افراد به جستجوی دوستانی می‌پردازند، که جذابیتشان مبتنی بر خواسته‌های آن‌ها باشد.

۱۳. شباهت در ارزش‌های بین دو فرد، از مهم‌ترین عوامل دوستی پس از اولین برخورد است.

چرا با برخی از مردم دوست می‌شویم و با بعضی دیگر نه؟ چطور با دیگران دوست می‌شویم؟ آیا تا به حال برایتان، پیش نیامده که دیگران را صرفاً به این جهت تأیید کنید که نخواهید با آن‌ها مخالفت کرده باشید؟

بیشتر، ما هنگام همراهی با دوستان احساس خوشایندی داریم. تصور دوستی با دیگران علاوه بر، ایجاد احساس خوشحالی، از اضطراب‌های روحی نیز جلوگیری می‌کند. مزایای دیگری نیز، بر دوستی مترتب است. مردم وجیه بیش از دیگران از مزایای اجتماعی بهره‌مند می‌شوند. نظرات، اعمال و تأثیرات آن‌ها راحت‌تر از سوی گروه پذیرفته شده و از این‌رو غالب انسان‌ها تمایل دارند جهت کسب این مزایا با دیگران دوست شوند.

سؤال‌های اساسی عبارتند از: چه چیز یک نفر، برای دیگران جذاب است؟ چه عواملی سبب می‌شود، دیگران او را مثبت ارزیابی کنند؟ چرا برخورد با یک فرد، احساسات خوشایندی را در پی خواهد داشت؟

کارنگی (D. Carnegir, 1952) در کتاب «اثن دوست‌یابی» به میلیون‌ها نفر از خوانندگان کتاب توصیه می‌کند که اگر چندکار را انجام دهند، دوستان زیادی خواهند یافت:

۱. تبسم کنید.
 ۲. به خاطر داشته باشید که نام فرد مهم‌ترین، لذت‌آورترین و گوش‌نوازترین کلمه او است.
 ۳. شنونده خوبی باشید و دیگران را به صحبت از خودشان تشویق کنید.
 ۴. از منافع دیگران صحبت کنید.
 ۵. احساس مهم بودن را در دیگران تقویت کرده و این کار را با خضوع توأم کنید.
- با عنایات به نتایج تحقیقات در زمینه دوست و عوامل تأثیرگذار بر آن، توصیه‌های ذیل در برقراری ارتباط با دیگران مهم به نظر می‌رسند:

قسمت اول

پروازها

موسی کریمی‌نیا

«مصعب بن عمیر» از مبلغان و گویندگان نامی اسلام بود که بنا به درخواست «اسعد بن زراره» از سوی پیامبر اکرم(ص) به مدینه اعزام شد. این دو نفر تصمیم گرفتند که سران یش را از راه منطقی و دلیل به آیین اسلام دعوت کنند. آن دو روزی وارد باغی شدند که جمعی از مسلمانان در آنجا بودند. در آن میان «سعد بن معاذ» و «اسید بن خصیر» که از سران قبیله «بنی عبدالاشهل» بودند، نیز دیده می‌شدند.

«سعد بن معاذ» رو به اسید کرد و گفت: «شمشیر خود را از نیام بیرون آور و به سوی این دو نفر برو و به آن‌ها بگو دست از تبلیغ آیین اسلام بردارند و با سخنان و بیانات خود، سادولوحانه ما را گول زنند. از آنجا که اسعد بن زراره پسرخاله من است، من از آن شرم دارم که خودم با شمشیر برهنه با او رو به رو گردم.»

اسید با صورت افروخته و شمشیر برهنه بر سر راه این دو نفر قرار گرفت و سخنان فوق را با لحن شدیدی ادا کرد. مصعب بن عمیر آن سخنان را توانا که روش تبلیغ را از رسول خدا(ص) فرا گرفته بود رو به اسید کرد و گفت: «ممکن است لحتله‌ای بنشینم و باهم گفت‌وگو کنیم، هرگاه موافق طبع و میل شما نباشد، ما از همان راهی که آمده‌ایم بر می‌گردیم.» اسید گفت: «سخن از روی انصاف گفتی.» نشست و شمشیر خود را غلاف کرد.

مصعب آیاتی از قرآن کریم را تلاوت نمود. حقایق نورانی قرآن و جذابیت و شیرینی آن و قدرت منطق مصعب او را به زانو درآورد، از خود بی‌اختیار شد و گفت: راه مسلمان شدن چیست؟ آن دو گفتند: «گواهی به یکتایی خدا دهید، بدن و جامه خود را در آب بشویید و نماز گزارید.» اسید در حوض آبی که در آن نقطه بود، غسل کرد و جامه خود را شست و در حالی که شاهدتین را زمزمه می‌کرد، به سوی سعد برگشت و جریان را بازگو کرد.

«سعد بن معاذ» در حالی که خشم سراسر بدن او را فرا گرفته بود، بلند شد که این دو نفر را از کار تبلیغ باز دارد و خون آن‌ها را بریزد، ولی او نیز در برابر منطق قوی و محکم بیانات جذاب و شیرین مصعب به زانو درآمد، در برابر آن‌ها از تصمیمی که گرفته بود انگشت ندامت به دندان گرفت! و در همان نقطه غسل کرد و جامه را آب کشید.

سپس به سوی قوم خود برگشت و به آن‌ها چنین گفت: من در میان شما چه موقعیتی دارم؟ گفتند: تو سرور و رئیس قبیله ما هستی. گفت: «من با هیچ فردی از زن و مرد قبیله سخن نخواهم گفت، مگر آنکه به آیین اسلام بگروند.» مدتی نگذشت که تمام قبیله بنی عبدالاشهل پیش از آن که حتی رسول خدا(ص) را ببینند، اسلام آوردند و از مدافعان آیین توحید گردیدند.

